

# سنگ بزرگ یا شروطی واقعی؟

## عباس عبیدی

به گزارش تلویزیون المیادین و نزدیک به بخشی از ساختار قدرت در ایران، هیات ایرانی در مذاکرات وین 5 شرط برای گروه 4+1 ارائه کرده است. رفع تحریم‌های مربوط به توافق هسته‌ای، راستی‌آزمایی درباره رفع تحریم‌ها، کسب ضمانت عدم خروج امریکا، جبران خسارت‌های ایران و بازگشت تمامی طرف‌ها به تعهدات ذیل توافق برجام. به عنوان یک ایرانی و حتی یک شهروند عادی در این جهان سیاست، معتقدم که هر پنج شرط مذکور، بسیار منطقی و حقوقی تنظیم شده است و به طور قطع دوست دارم که بر همین اساس توافق شود. فقط نمی‌دانم که آیا تهیه چنین شروطی نیازمند این همه زمان و رفتن به وین بود؟ در همان ۲۸ خرداد یا حداکثر ۱۲ مرداد و با آمدن دولت جدید، می‌توانستند طی یک بیانیه از تهران شروط به این روشنی و حتی منطقی را اعلام کنند و توپ را به طور کامل به زمین طرف مقابل بیندازند و نیازمند شش ماه و چهار ماه اتلاف وقت نبود. مهم‌تر این که چرا از همان زمان که ترامپ از برجام خارج شد، چنین سیاستی را به وضوح اعلام نکردید؟ شاید گفته شود که اشتباه دولت قبل بود. این پذیرفتنی نیست؛ زیرا اگر این اشتباه بود باید خیلی سریع جلوی آن گرفته می‌شد، زیرا این حد از تفاوت میان سیاست دو دولت بیش از اینکه سلیقه‌ای باشد، راهبردی است و نباید اجازه داده می‌شد که آنان ۳ سال وقت تلف کنند. حالا می‌توانیم از گذشته بگذریم. این شروط از دو حال خارج نیست؛ یا اینکه قطعی است یا قابل تعدیل است. اگر قطعی است، می‌توان گفت به معنای پایان مذاکرات است. اینکه ایران تحقق این شروط را منطقی و حق خود می‌داند، درست است؛ البته در عمل به معنای پایان مذاکرات هم هست. ولی اگر این شروط قابل مذاکره و تعدیل است، مشکلی را ایجاد می‌کند که زیان آن قابل چشم‌پوشی نیست. تعدیل تا کجا؟ اگر آن را مصداق سنگ بزرگ علامت نزدن بدانیم، طبعاً کوتاه آمدن از این شروط به نحوی که موارد اصلی آن از جمله تضمین و جبران خسارت و تقدم رفع تحریم‌ها پیش از انجام تعهدات برجامی ایران، از سوی طرف مقابل پذیرفته نشود، به منزله عقب‌نشینی و شکست تلقی خواهد شد که طرح آنها به لحاظ دیپلماتیک محل پرسش خواهد بود. مگر اینکه بر اثر گفتگوها به نحو متعارفی این شروط پذیرفته شوند که بعید می‌دانم چنین اتفاقی رخ بدهد. البته

